

## محدودیت‌های غیرقیمتی در قراردادهای پروانه

### بهره‌برداری از منظر حقوق رقابت

(مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا)

رضا معبودی نیشابوری<sup>1</sup>

استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد

سیما طوفانی اصل<sup>2</sup>

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

تاریخ دریافت 1394/4/3 تاریخ پذیرش 1395/6/8

#### چکیده

قراردادهای لیسانس یکی از انواع قراردادهای انتقال فناوری محسوب می‌شوند که بر مبنای آن‌ها صاحب پروانه اختراع یا فناوری به عنوان اعطاکننده پروانه بهره‌برداری به گیرنده آن مجوز استفاده از پروانه خود را در مدت‌زمان و قلمرو معین اعطا می‌کند. با توجه به حقوق انحصاری که اعطاکننده پروانه بهره‌برداری درباره پروانه اختراع خود دارد، می‌تواند محدودیت‌هایی را بر گیرنده پروانه بهره‌برداری تحمیل کند که ممکن است مبتنی بر قیمت باشد و یا نباشد. انحصار مزبور با توجه به اهداف حقوق رقابت از جمله تأمین رفاه مصرف‌کنندگان و یا ممانعت از انحصارطلبی در رقابت ممکن است چالشی را بین حقوق انحصاری اعطاکننده پروانه بهره‌برداری و حقوق رقابت ایجاد کند؛ بنابراین آنچه در این مقاله مورد بحث قرار گرفته، این است که آیا حقوق رقابت به تمام محدودیت‌های غیرقیمتی در قراردادهای پروانه بهره‌برداری از یک منظر نگاه می‌کند و آن‌ها را مخل رقابت تشخیص خواهد داد و یا برخی را نه تنها مانع رقابت ندانسته بلکه دارای فواید رقابتی تلقی می‌کند. برای پاسخ به سؤالات مزبور، مقاله پیش رو، به بررسی سه نظام حقوقی ایران، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا به‌طور تطبیقی پرداخته است. مطالعه تطبیقی مزبور، نشان می‌دهد

1- نویسنده مسئول: maboudi@um.ac.ir

2 - simatoufani@yahoo.com

که مقررات ایران در این زمینه نیازمند به تغییرات و اصلاحاتی است تا بتواند موازنه متعادل تری بین حقوق رقابت و حقوق انتقال فناوری ایجاد نماید.

**کلیدواژه‌ها:** قرارداد پروانه بهره‌برداری، پروانه اختراع، حقوق رقابت، موقعیت مسلط، حقوق مالکیت فکری.

طبقه‌بندی JEL: K21, L41, L11, L12

## مقدمه

قراردادهای متعددی برای انتقال یک فناوری وجود دارد لیکن معمول‌ترین نوع آن‌ها قرارداد پروانه بهره‌برداری است. براساس قرارداد پروانه بهره‌برداری، صاحب پروانه اختراع یا فناوری به‌عنوان اعطاکننده پروانه به گیرنده پروانه بهره‌برداری مجوز استفاده از پروانه خود را در مدت‌زمان و قلمرو معین اعطا می‌کند (Kutty & Chakravarty, 2011:258-259).

این نوع از قرارداد به دارنده پروانه اختراع این فرصت را می‌دهد تا با انتقال آن، زمینه را برای بهره‌برداری بهتر از پروانه مزبور فراهم کند، به درآمدهای بالاتری دست یابد و از منابعی که گیرندگان پروانه بهره‌برداری در اختیار او قرار می‌دهند پاسخگوی بازارهایی باشد که در صورت عدم اعطای پروانه هرگز نمی‌تواند به آن‌ها راه یابد.

این قراردادها همچون سایر قراردادهای انتقال فناوری در کنار مزایایی که دارا هستند ممکن است نگرانی‌هایی را نیز در زمینه حقوق رقابت به وجود آورند؛ به‌عبارت‌دیگر قواعد و اهداف حقوق رقابت باید نظم اقتصادی را در جامعه به گونه‌ای ترتیب دهد که رفاه مصرف‌کنندگان فراهم گردد و درعین حال رقابت در بازار با محدودیت مواجه نشود و انحصار یا سوءاستفاده‌ای نیز صورت نگیرد. از طرف دیگر در قراردادهای پروانه بهره‌برداری، حقوق مالکیت فکری نیز همراه با نوعی انحصار هستند که می‌توانند به دارنده آن اجازه بدهند که برخی محدودیت‌ها را بر گیرنده پروانه بهره‌برداری تحمیل کند. البته انحصار ناشی از مالکیت فکری مطلوب است اما نباید سبب شود که منافع مصرف‌کننده و اهداف حقوق رقابت به خطر بیفتد. در واقع نباید به گونه‌ای باشد که صاحبان مالکیت فکری از حقوق خود سوءاستفاده کنند (Bagheri & Abbasi, 2012:60).

محدودیت‌هایی که در قراردادهای پروانه بهره‌برداری اعمال می‌شوند به دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌گردند: محدودیت‌های غیر قیمتی و محدودیت‌های قیمتی. آنچه این مقاله در پی

بررسی آن است محدودیت‌های غیرقیمتی است که شامل موارد ذیل می‌گردد: شرط اعاده، اقدامات پیوندی، محدودیت‌های فروش، محدودیت در میزان تولید و عرضه، محدودیت زمینه استفاده، و شرط عدم رقابت. در واقع از منظر حقوق رقابت به این محدودیت‌ها توجه می‌شود و آنچه در این میان اهمیت دارد، پاسخ به این سؤال است که آیا حقوق رقابت همه این محدودیت‌ها را مانع رقابت تلقی می‌کند و یا اگر قائل به تفکیک میان آن‌ها است از کدام منظر برخی از آن‌ها را محدودکننده رقابت می‌داند؛ بنابراین برای یافتن پاسخ در این مقاله به تفکیک در مورد هریک از این محدودیت‌ها می‌پردازیم. بدیهی است این مجال، گنجایش بررسی محدودیت‌های قیمتی را نداشته و مطالعه محدودیت‌های مزبور، پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

همچنین مقاله پیش رو صرفاً در مقام بازشناسی موارد ممنوعه از مصادیق معاف بوده و صرفاً بر قلمرو ممنوعیت تمرکز نموده و پا در مجال فراخ و گسترده ضمانت اجراها نگذارده زیرا موضوع اخیرالذکر (ضمانت اجرا) نیز خود مستلزم یک بحث مستوفی و مفصل است که گنجایش مستقلی می‌طلبد؛ اما اجمالاً می‌توان اشاره داشت که در یک تقسیم کلی ضمانت اجراهای مربوطه به دو دسته ضمانت اجراهای قانونی و ضمانت اجراهای قراردادی تقسیم می‌شوند: ضمانت اجراهای قانونی که طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرند از جمله مشتمل بر بطلان قرارداد، ممنوعیت متخلف از فعالیت در یک زمینه خاص و یا در یک منطقه جغرافیایی مشخص، حکم به جبران خسارات وارده و نیز مجازات‌های کیفری می‌باشند و در مقابل، ضمانت اجراهای قراردادی مواردی هستند که طرف متضرر از نقض حقوق رقابت در متن قرارداد آن‌ها را پیش‌بینی می‌نماید. بدیهی است ضمانت اجراهای قانونی کارآمدی بیشتری دارند زیرا متضررین از رفتارهای ضدرقابتی لزوماً طرف قرارداد ضدرقابتی نبوده و نسبت به قرارداد مزبور ثالث محسوب می‌شوند فلذا عمدتاً ضمانت اجراهای قانونی از ایشان حمایت می‌کنند.

### شرط اعاده<sup>1</sup>

شرط اعاده یا اعطای پروانه بهره‌برداری در خصوص پیشرفت‌های ناشی از فناوری اولیه، قیدی

---

1- Grant Backs Clause.

در قراردادهای پروانه بهره‌برداری است که براساس آن گیرنده آن متعهد می‌گردد که حقوق ناشی از پیشرفت‌های حاصل از فناوری موضوع پروانه بهره‌برداری اولیه را به اعطاکننده پروانه اصلی منتقل کند (COMM'N, 2007:80 U. S. DEP'T OF JUSTICE & FED, TRADE).

شرط اعاده به هر دو طرف این فرصت را می‌دهد که نوآوری‌های جدید بعدی را که به واسطه فناوری اولیه ایجاد شده است با یکدیگر یا به سایر گیرندگان پروانه بهره‌برداری به اشتراک گذارند. به علاوه شرط مزبور باعث اشاعه هرچه بیشتر پیشرفت‌های فناوری موضوع پروانه بهره‌برداری توسط گیرندگان آن می‌شود و انگیزه‌های اعطاکنندگان را برای اشاعه فناوری موضوع اختراع پروانه بهره‌برداری و رقابت و تولید در بازار فناوری یا اختراع مربوط به آن افزایش می‌دهد (Nguyen, 2010:90).

چنین شرطی به نوع انحصاری<sup>1</sup> و غیر انحصاری<sup>2</sup> تقسیم می‌شود. شرط اعاده انحصاری به این معنا است که گیرنده پروانه بهره‌برداری در خصوص پیشرفت‌های حاصل از پروانه بهره‌برداری اولیه، صرفاً به اعطاکننده اصلی و نه هیچ شخص دیگری، اعطای پروانه بهره‌برداری خواهد نمود (Warren & Zafar, 2014:364).

در مقابل شرط اعاده غیر انحصاری صرفاً متضمن این تعهد برای گیرنده پروانه بهره‌برداری می‌باشد که در مورد پیشرفت‌های جدید، به اعطاکننده اصلی نیز اعطای پروانه بهره‌برداری نماید، بدون این که متعهد شود که از اعطای چنین پروانه‌ای به دیگران استنکاف کند؛ به عبارت دیگر نوع غیر انحصاری شرط اعاده به گیرنده پروانه اجازه می‌دهد که در تکنولوژی متعلق به خودش فعالیت کند و آن را علاوه بر اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اصلی، به دیگران نیز بتواند اعطا کند. چنین شرطی ممکن است برای تضمین اینکه اعطاکننده اصلی، به طور مؤثری مانع یک رقابت نشود، ضروری باشد چون او با حمایت از فناوری خودش موجب عدم دسترسی به پیشرفت‌های توسعه یافته بعدی می‌گردد. برخلاف شرط اعاده انحصاری، شرط اعاده غیر انحصاری، گیرنده پروانه بهره‌برداری را به اعطای پروانه پیشرفت‌های بعدی فناوری به دیگران آزاد می‌گذارد (U. S. DEP'T OF JUSTICE & FED, TRADE COMM'N, 1995:30).

1 - Exclusive Grant Backs.

2 - Non-exclusive Grant Backs.

در کنار مزایایی که چنین توافقاتی دارند ممکن است از نگاه قواعد حقوق رقابت هم نگرانی‌هایی را برانگیزند. شرط اعاده، به علت سختگیری‌هایی که نسبت به گیرنده پروانه بهره‌برداری اعمال می‌کند، انگیزه وی را برای نوآوری کاهش می‌دهد و یا به کلی از بین می‌برد. به خصوص شرط اعاده انحصاری، گیرنده پروانه را با کاهش انگیزه بیشتری مواجه می‌کند چراکه شرط مزبور، حتی بیش از شرط اعاده غیرانحصاری ابتکار عمل گیرنده پروانه بهره‌برداری را محدود نموده و اختیارات وی را مضیق می‌نماید. به علاوه واگذاری حقوق ناشی از ارتقاء بعدی به اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اصلی، قدرت رقابت گیرنده پروانه را کاهش داده و او را وادار می‌کند که برای ابداعی که خود به وجود آورده است، به اعطاکننده اصلی، دوباره پروانه بهره‌برداری اعطا کند (Saberri, 2008:124; Korah, 2006: P69).

همچنین اگر گیرندگان پروانه ملزم باشد که یک پروانه بهره‌برداری انحصاری اعطا کنند یا مجبور به انتقال پیشرفت‌هایش فقط به اعطاکننده پروانه بهره‌برداری گردند، گیرندگان از این جهت به سختی می‌توانند از منافع حاصل از پیشرفت‌هایی که در آینده به دست می‌آورند، بهره‌برداری نمایند. به علاوه شرط اعاده ممکن است به طور نامناسبی قدرت بازاری اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اصلی را افزایش دهد. به این طریق که اعطاکننده بتواند تمام پیشرفت‌های حاصل از فعالیت گیرنده پروانه بهره‌برداری را نه تنها در طول دوران حیات فناوری اصلی کنترل و جمع‌آوری کند بلکه در دوره‌های پیشرفت فناوری بعدی نیز ممکن است این توانایی را به دست آورد (Nguyen, 2010:91).

براساس بند (a) پاراگراف (1) ماده 5 از آیین‌نامه جدید کمیسیون اروپا به شماره 2014/316 تحت عنوان آیین‌نامه معافیت‌های مربوط به انتقال فناوری (از این پس TTBER)<sup>1</sup>، آنچه از نظر قواعد اتحادیه اروپا خلاف حقوق رقابت در نظر گرفته می‌شود، تنها شرط اعاده انحصاری است و نوع غیرانحصاری آن با ممنوعیت مواجه نیست (Han, 2005:107).

---

1- Commission Regulation (EU) No 316/2014 on the application of Article 101(3) of the Treaty on the Functioning of the European Union to categories of technology transfer agreements.

آیین‌نامه TTBER شماره 772/2004<sup>1</sup> شرط اعاده انحصاری و غیر انحصاری درباره "پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر"<sup>2</sup> را از معافیت‌های کلی بر خوردار کرده، درحالی‌که نوع تفکیک‌پذیر آن را در هر دو نوع شرط اعاده ممنوع اعلام کرده بود. کمیسیون بر این اعتقاد بود که به گیرنده پروانه بهره‌برداری باید اجازه داده شود که از پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر از فناوری اولیه متعلق به اعطاکننده پروانه نیز بهره‌برداری نماید. در صورتی که شرط اعاده انحصاری در مورد پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر مانع چنین بهره‌برداری است و از این رو در آیین‌نامه جدید به‌طور کلی شرط اعاده انحصاری را (درباره پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر و تفکیک‌پذیر) ممنوع اعلام کرد (Lugard, 2014:53-54).

همان‌طور که کمیسیون اروپا ماده 5 از آیین‌نامه جدید فوق‌الذکر را که شامل شرط اعاده نیز می‌گردد از معافیت‌های کلی استثنا نموده است، پاراگراف 128 اصول راهنمای جدید اعمال ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا بر قراردادهای انتقال فناوری<sup>3</sup> (از این پس GATTA) در همین راستا بیان می‌دارد که شرط اعاده یا انتقال پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر متعلق به گیرنده پروانه بهره‌برداری و یا کاربردهای جدیدی که گیرنده پروانه به آن‌ها پی برده است، باید به‌طور انفرادی ارزیابی شوند.

به‌طور کلی هدف کمیسیون در آیین‌نامه جدید فوق‌الذکر از ممنوعیت کلی صور شرط اعاده

1- Commission Regulation (EU) No 772/2004 on the Application of Article 101(3) of the Treaty to Categories of Technology Transfer Agreement.

2- براساس تعریفی که کمیسیون اروپا در ماده 1 آیین‌نامه پیشین TTBER کمیسیون اروپا به شماره 772/2004 ارائه نموده است، پیشرفت‌های بعدی حاصل از پروانه بهره‌برداری اولیه را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر و پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر. پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر پیشرفت‌هایی هستند که می‌توانند به نحوی مورد بهره‌برداری قرار گیرند که ناقض حقوق اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اولیه نباشند؛ به عبارت دیگر اگر گیرنده پروانه با اعطای آن به سایر اشخاص در خصوص پیشرفت‌های متعاقب عملاً باعث دخل و تصرف و نقض حقوق مالکیت فکری لیسانس‌دهنده اولیه نمی‌شود پیشرفت‌های مذکور، پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر تلقی می‌شوند. در مقابل، پیشرفت‌هایی تفکیک‌ناپذیر تلقی می‌شوند که هرگونه بهره‌برداری از پیشرفت‌های مزبور علاوه بر استفاده از ابداع گیرنده اصلی پروانه منجر به استفاده از حقوق مالکیت فکری اعطاکننده اصلی پروانه بهره‌برداری نیز خواهد شد. به این ترتیب روشن است که بایستی اعطاکننده اصلی را نسبت به تعیین نحوه بهره‌برداری از پیشرفت‌های تفکیک‌ناپذیر تا حدود زیادی محق دانست.

3-Guidelines on the application of Article 101 of the Treaty on the Functioning of the European Union to technology transfer agreements. (2014/C 89/03).

انحصاری و ارزیابی انفرادی آن‌ها این است که با حمایت از گیرنده پروانه بهره‌برداری، بستر قانونی مناسبی را در ایجاد انگیزه کافی برای وی در دنبال کردن پیشرفت‌های بعدی حاصل از فناوری اولیه در آینده فراهم کند (Rab, 2014:441-440).

به‌علاوه در پاراگراف 130 اصول راهنمای GATTA بیان شده است که در ارزیابی‌های انفرادی شرط اعاده انحصاری، به مساله موقعیت بازاری اعطاکننده پروانه در بازار فناوری پروانه بهره‌برداری داده شده توجه می‌شود. هر چقدر که قدرت بازاری وی بیشتر باشد، احتمال این که شرط اعاده انحصاری بتواند اثرات ضد رقابتی بیشتری بر انگیزه گیرنده پروانه بگذارد نیز بیشتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر زمانی نیز که اعطاکننده از قدرت بازاری بالایی برخوردار است، گیرنده پروانه بهره‌برداری به عنوان طرف دیگر این قرارداد، منع بزرگی برای ابداعات و رقابت‌های بعدی در آینده خواهد بود و در این شرایط اگر شروط انحصاری در قرارداد فی مابین اعطاکننده پروانه بهره‌برداری و گیرنده درج گردد، به دلیل قدرت بازاری مذکور و اهمیت فناوری مورد انتقال، تأثیرات ضد رقابتی سنگین تری بر بازار وارد خواهد نمود.

در ایالات متحده آمریکا نیز تفاوتی بین پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر و تفکیک ناپذیر قائل نشده‌اند و مقامات رقابت بر این اعتقادند که اگر شرط اعاده لیسانس دهنده، مشمول عنوان انحصارگری<sup>1</sup> یا تلاش برای انحصارگری واقع شود، براساس ماده 2 قانون شرم<sup>2</sup> مورد منع واقع می‌شود. به‌علاوه اگر شرط اعاده انحصاری و انتقال آن مورد استفاده گروهی از اعطاکنندگان و گیرندگان پروانه بهره‌برداری برای حمایت از کارتل یا محروم کردن سایرین از ورود به بازار واقع شود، ممکن است براساس ماده 1 قانون شرم<sup>3</sup> به چالش کشیده شوند (Nguyen, 2010:92) و در هر حال به دلیل داشتن احتمال هر دو اثر مثبت و منفی بر رقابت بر مبنای "قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل"<sup>3</sup> ارزیابی می‌گردد (Han, 2004:107).

1-Monopolize.

2- Sherman Antitrust Act 1890.

3-Rule of Reason.

قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا به این معنا است که دادگاه برای ضد رقابتی تلقی کردن اعمال طرفین تجاری باید به معیارهای متعددی از جمله ماهیت تجاری که براساس آن محدودیت رقابتی بوجود آمده، توجه نموده و شرایط قبل و بعد از درج آن محدودیت، ماهیت محدودیت و اثرات مثبت یا منفی آن را به طور بالقوه و یا بالفعل بر اقتصاد و اهدافی که حقوق

در نظام حقوقی ایران با اینکه در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی (از این به بعد ق.ا.س.ا. 44) هیچ اشاره‌ای به این نوع از پروانه بهره‌برداری و انواع آن (انحصاری و غیرانحصاری؛ تفکیک‌پذیر و تفکیک‌ناپذیر) نشده است، می‌توان شرط اعاده انحصاری پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر را مشمول ممنوعیت بند 7 ماده 44 دانست. براساس این بند "محدود کردن دسترسی اشخاص خارج از قرارداد" اعطای پروانه بهره‌برداری اولیه، به پیشرفت‌های تفکیک‌پذیر بعدی، در صورتی که محل رقابت باشد، بایستی ممنوع تلقی شود. در واقع اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اصلی با چنین توافقی گیرنده پروانه بهره‌برداری را از اعطای پروانه بهره‌برداری پیشرفت‌هایی که خود به دست آورده است به دیگران محروم می‌سازد و از این جهت ممکن است اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اصلی بخواهد دسترسی دیگران را نیز به بازار آن فناوری محدود کند. همچنین این امر محتمل است که پیشرفت‌هایی که گیرنده پروانه بهره‌برداری به آن‌ها دست می‌یابد به قدری برای سایر رقبا حیاتی و ضروری باشد که عدم اعطای مجوز برای دسترسی آن‌ها، اختلال در رقابت تلقی شود.

از سوی دیگر چنانچه اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اولیه، گیرنده را مجبور به "استتکاف از معامله با رقیب" وی کرده باشد، به نوعی وی را از بهره‌برداری از حق امتیازهایی که می‌توانسته با اعطای پروانه پیشرفت‌های خود به دست آورد محروم ساخته است (قسمت 2 بند (الف) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44). چنانچه اعطاکننده پروانه بهره‌برداری اولیه با درج شرط اعاده انحصاری، گیرنده پروانه بهره‌برداری را از "انجام معامله با رقبای" اعطاکننده پروانه بهره‌برداری ممنوع سازد، این امر مشمول ممنوعیت قسمت 3 بند (و) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 خواهد بود. به علاوه اگر اعطاکننده پروانه بهره‌برداری دارای موقعیت مسلط باشد، اقدام مزبور از آن جهت که غیرمنصفانه قلمداد می‌گردد و احتمالاً مانع ورود رقبای جدید به بازار مربوطه می‌شود، می‌تواند حسب مورد مشمول ممنوعیت قسمت 2 یا 4 بند (ط) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 قرار گیرد.

---

رقابت دنبال می‌کند، در نظر بگیرد. در مقابل قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل، قاعده "ممنوعیت مطلق" قرار دارد که به این معنا است که رفتارهای مشمول قاعده اخیرالذکر مطلقاً ممنوع تلقی می‌شوند زیرا اثر منفی آنها بر رقابت و اقتصاد مفروض بوده و نیازی به ارائه دلیل در این خصوص نمی‌باشد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک:

Christiansen, A.; Kerber, W. (2006). Competition policy with optimally Differentiated Rules Instead of "Per se Rules vs. Rule of Reason. Oxford University Press Publishing.



لازم به توضیح است که در حقوق موضوعه ایران، به‌طور کلی و به‌ویژه در مقررات رقابت، قانونگذار ضوابطی برای تعیین شروط قراردادی غیرمنصفانه ارائه نکرده است و به نظر می‌رسد با توجه به سیاق عبارات قانون بتوان گفت شرایط قراردادی غیرمنصفانه، شروطی غیرمتعارف و با در نظر گرفتن موضوع و طبیعت قرارداد، غیرمعقول هستند که یک طرف قرارداد بدون در نظر گرفتن تعادل عوضین و تناسب تعهدات طرفین، به دلیل قدرت معاملاتی برتر، این شرط را بر طرف دیگر تحمیل می‌کند. (Abdi pour, 2009: 143-143). بدیهی است با توجه به فقدان تعریف قانونی صریح در زمینه مفهوم شروط غیر منصفانه، در خصوص شناسایی مصادیق این شروط به نظر می‌رسد ناچار به پذیرش داوری عرف هستیم.

### ترتیبات پیوندی<sup>1</sup>

ترتیبات پیوندی در قراردادهای انتقال فناوری زمانی اتفاق می‌افتد که اعطاکننده پروانه بهره‌برداری به‌طور مشروط فناوری متعلق به خود را منتقل می‌کند به‌نحوی که اعطای پروانه از سوی وی منوط به آن است که گیرنده، فناوری یا پروانه اختراع دیگری را از اعطاکننده یا شخص دیگری که او تعیین می‌کند خریداری نماید (Saber, 2008: 117). این‌گونه شروط در مورد خریدارانی شرط می‌شود که انگیزه بسیار بالایی برای دریافت پروانه بهره‌برداری اصلی دارند و لذا مجبور هستند شروط اعطاکننده را بپذیرند.

در ترتیبات پیوندی دو کالا با یکدیگر پیوند می‌خورد: کالای مورد پیوند<sup>2</sup> و کالای پیوند شده<sup>3</sup> که می‌تواند پروانه اختراع دیگری باشد یا کالایی باشد که موضوع پروانه اختراع نیست. اقدام پیوندی می‌تواند اثراتی داشته باشد که خلاف حقوق رقابت است. از جمله احتمالاً مانع از تصمیم‌گیری آزادانه خریداران می‌شود، چرا که آن‌ها را مجبور به خرید کالایی می‌کند که مورد تقاضای آن‌ها نبوده و یا اصلاً سرمایه کافی برای خرید کالای پیوند شده را ندارند (Ghaffari, 2014: 379-380). به‌علاوه امکان دارد که هدف چنین ترتیباتی مسدود نمودن راه ورود

1-Tying clauses.

2-Tying product.

3-Tied product.

دیگر عرضه کنندگان به بازار باشد (Sadeghi & Mahmoudi, 2007:275).

اصلی‌ترین اثر انقباضی پیوند زدن، امکان محدود کردن رقابت بین تولیدکنندگان برای کالای پیوند شده است. برای ایجاد این محدودیت، اعطاکننده پروانه باید قدرت بازاری قابل توجهی داشته باشد و تعهد پیوندی باید بخش قابل توجهی از بازار کالای پیوند خورده را دربرگیرد. اقدام پیوندی می‌تواند موانع ورود به بازار را بالا ببرد و از این طریق به افزایش قدرت بازاری اعطاکننده پروانه کمک کند. درحالی‌که برای رقابت مؤثر در هر دو بازار کالای پیوندی و پیوندشده احتیاج به ورود رقبای تازه وارد به‌طور همزمان در هر دو بازار هست (Aranda, 2005:60).

با این حال در کنار اثرات منفی اقدامات پیوندی بر رقابت، اثرات مثبتی هم بر آن مترتب است: در مواردی که ورود به یک بازار مشخص با دشواری‌هایی مواجه است اعطاکننده پروانه می‌تواند با ترتیبات پیوندی مزبور موفق به ورود به بازار مورد نظر شود و همچنین ممکن است از طریق پیوند کالای دیگر در جهت استفاده مناسب از کالای پیوندی کمک کند (Nguyen, 2010:94).

در آیین‌نامه جدید TTBER سال 2014 اتحادیه اروپا به ترتیبات پیوندی اشاره‌ای نشده است و این بدان معناست که قواعد عام مذکور در مقررات فوق‌الذکر در خصوص اقدامات پیوندی نیز اعمال خواهد شد. بدین ترتیب قراردادهای پیوندی که سهم بازاری طرفین آن از بازار کالا و فناوری مورد نظر حسب مورد، کمتر از میزان 20 درصد یا 30 درصد مذکور در این مقررات است به‌طور نوعی از معافیت برخوردار هستند. این سهم بازاری در صورتی که طرفین رقیب هم باشند باید کمتر از 20 درصد و در صورتی که رقیب نباشند باید کمتر از 30 درصد بازار مورد نظر باشد. در صورتی که این سهم بازاری بیش از میزان مقرر فوق‌الذکر باشد باید رقابتی یا ضدرقابتی بودن آن اقدام پیوندی، براساس بند (3) ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا مورد بررسی واقع شود (Hull & Toro, 2004:37).<sup>1</sup>

1- باید خاطر نشان ساخت که قراردادهای انتقال فناوری حاوی محدودیت‌های غیرقیمتی می‌توانند به صورت افقی یا عمودی منعقد شوند؛ به عبارت دیگر این‌گونه قراردادها بعضاً میان دو دارنده پروانه بهره‌برداری که رقیب یکدیگر در بازار مربوط به آن فناوری هستند منعقد می‌شوند که در این صورت، اصطلاحاً افقی نامیده می‌شوند و یا ممکن است میان دارنده پروانه بهره‌برداری و گیرنده آن منعقد گردند که رقیب یکدیگر در بازار مربوط به آن فناوری نیستند که در این حالت، قرارداد از نوع عمودی محسوب می‌شود؛ بنابراین از این پس قراردادهای میان رقبا افقی و قراردادهای میان غیر رقبا عمودی نامیده می‌شوند و به طور کلی می‌توان بیان داشت که قراردادهای منعقد میان رقبا حساسیت حقوق رقابت را بیشتر بر می‌انگیزند.

براین اساس مطابق اصول راهنمای TTBER و قواعد حقوق رقابت اتحادیه اروپا اصولاً ترتیبات پیوندی با ممنوعیت مواجه نیستند مگر آنکه اعطاکننده پروانه بهره‌برداری دارای قدرت در بازار باشد و دلیل موجهی نیز برای معافیت آن ترتیب، به موجب بند 3 ماده 101 وجود نداشته باشد (Saber, 2008:117).

در ایالات متحده آمریکا به‌طور کلی ترتیبات پیوندی، لزوماً ضد رقابتی فرض نشده است؛ بنابراین امکان پذیرش اثرات مثبت چنین ترتیباتی بر مبنای قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل وجود دارد و دلایل ضد رقابتی بودن آن باید به اثبات برسند (Elhauge, 2009:27).

بر همین اساس دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در یکی از آراء قضایی خود به ارائه معیارهایی پرداخت که در صورت احراز آنها، ترتیبات پیوندی ضد رقابتی تلقی می‌شوند: اول کالای پیوند شده متمایز از کالای پیوندی باشد، دوم وجود قدرت بازاری برای بنگاه تحمیل‌کننده کالای پیوند خورده و سوم ترتیبات پیوندی در بخش مهمی از تجارت بازار مؤثر باشد. لذا در ایالات متحده آمریکا بیش از هر چیز به آثار اقتصادی ترتیبات پیوندی توجه می‌شود (Ahlborn et al., 2004:299).

در حقوق ایران نیز علی‌رغم فقدان صراحت در خصوص اقدامات پیوندی اعطاکننده پروانه بهره‌برداری، بر اساس قواعد عام حقوق رقابت باید گفت اگر اعطاکننده، اعطای پروانه بهره‌برداری خود را منوط به این کند که گیرنده، پروانه بهره‌برداری از اختراع دیگری یا حتی کالا یا خدمتی دیگری را خریداری نماید، چنانچه این پیوند محل رقابت تلقی گردد، ممنوع خواهد بود (بند 4 و 5 ماده 44 ق.ا.س.ا. 44). واضح است که اقدامات پیوندی دقیقاً با قسمت 1 بند (و) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 که بیان داشته است "منوط کردن فروش یک کالا یا خدمت به یکدیگر و بالعکس" نیز مطابقت دارد. به علاوه چنانچه گیرنده پروانه ملزم شده باشد که با شخص ثالثی در صورت پذیرفتن پیوند، معامله کند، مشمول قسمت 2 بند (و) نیز خواهد شد که بر اساس صدر ماده 45 ممنوع خواهد بود.

چنانچه با وضعیت مسلط اعطاکننده پروانه بهره‌برداری روبرو باشیم و از طرفی تحمیل این پیوند

---

برای مطالعه بیشتر در زمینه تفکیک قراردادهای عمودی و افقی از یکدیگر و نیز میزان نگرانی حقوق رقابت نسبت به هریک از این دو دسته ر.ک: Ghaffari Farsani, 2014:380-304.

برگیرنده "عرفاً غیرمنفصانه" به نظر برسد، مشمول قسمت 2 بند (ط) ماده 45 است. مضاف بر این اگر اقدامات پیوندی، به معنای مشروط کردن قرارداد پروانه بهره‌برداری به پذیرش شرایطی باشد که "از نظر ماهیتی یا عرف تجاری ارتباطی با موضوع قرارداد ندارد" و در عین حال اعطاکننده در وضعیت مسلط نیز باشد، باید براساس قسمت 5 بند (ط) ماده 45 این اقدامات را سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط دانسته و ممنوع تلقی نمود.

## محدودیت‌های فروش<sup>1</sup>

در قراردادهای پروانه بهره‌برداری حاوی محدودیت‌های فروش، میان آن دسته از قراردادها که بین رقبا و غیر رقبا و قراردادهایی که به طور "متقابل و غیر متقابل"<sup>2</sup> منعقد می‌شود، از لحاظ نوع برخورد مقررات حقوق رقابت اتحادیه اروپا با آن‌ها تفاوت وجود دارد. در بندهای ذیل تفاوت‌های مزبور تفصیلاً مورد بحث واقع می‌شود.

### 1-4 قراردادهای پروانه بهره‌برداری میان رقبا

براساس بند (c) پاراگراف 1 ماده 4 آیین‌نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا محدودیت در "فروش‌های فعال و غیر فعال"<sup>3</sup> بر عهده یکی از طرفین یا هر دو در قراردادهای پروانه بهره‌برداری

#### 1-Sales Restrictions.

#### 2-Reciprocal & Non-Reciprocal Agreements.

براساس ماده 1 آیین‌نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا، اصطلاح قراردادهای متقابل در حقوق رقابت به این معنا است که طرفین طی قراردادی جداگانه یا همزمان با قرارداد پروانه بهره‌برداری به یکدیگر فناوری‌هایی را پروانه بهره‌برداری می‌دهند که یا آن فناوری‌ها رقیب یکدیگرند و یا برای استفاده در تولید کالاهای رقابتی کاربرد دارند؛ بنابراین قراردادهای پروانه بهره‌برداری غیرمتقابل شامل آن دسته از فناوری‌هایی می‌گردد که رقیب یکدیگر نبوده و در تولید کالاهای رقابتی نیز استفاده نمی‌شوند.

#### 3-Active sales & Passive sales.

اصطلاح فروش‌های فعال در حقوق رقابت به معنای فروش‌هایی است که فروشنده به صورت ویژه مشتریان خود را در میان مشتریان خاص و انحصاری توزیع کننده دیگر جستجو می‌کند و تلاش می‌نماید مشتریان منطقه جغرافیایی مختص به توزیع کننده دیگر یا طبقه خاصی از مشتریان را که اختصاص به توزیع کننده دیگر دارد، هدف قرار داده و در واقع تقاضای مشتریان مزبور را از توزیع کننده انحصاری فوق‌الذکر به سمت خود تغییر جهت دهد؛ چنین اقدامی ممکن است از طریق تبلیغات خاص تلویزیونی و یا ایمیل مستقیم به آن مشتریان انجام شود. در مقابل، فروش‌های غیرفعال نیز به معنای فروش‌هایی است که با هدفگذاری ویژه‌ای نسبت به مشتریان بنگاه دیگری صورت نگرفته بلکه هدفگذاری آن، عموم جامعه و مشتریان بالقوه است. این نوع از فروش ممکن است از طریق تبلیغات

متقابل میان رقبا از محدودیت‌های مطلق محسوب می‌شود. به علاوه پاراگراف 105 و 198 اصول راهنمای GATTA، در قرارداد پروانه بهره‌برداری متقابل میان رقبا، شرط عدم فروش فعال یا غیر فعال به گروه مشتریان خاص یا قلمرو سرزمینی معین شده برای طرف دیگر را به علت آن که شرط مزبور، نوعی تقسیم بازار محسوب می‌شود، ممنوع اعلام کرده است.

پاراگراف 106 اصول راهنمای GATTA بیان می‌دارد که ممنوعیت این نوع محدودیت‌های فروش در توافقات متقابل بدون توجه به این امر است که گیرنده پروانه بهره‌برداری در استفاده شخصی از فناوری متعلق به خود آزاد گذاشته شده است یا خیر. به عبارت بهتر زمانی که گیرنده از فناوری متعلق به اعطاکننده پروانه بهره‌برداری برای تولید کالای معینی استفاده می‌نماید، ممکن است از لحاظ مالی بخواهد خط تولید جداگانه‌ای با استفاده از فناوری دیگری ایجاد نماید تا بتواند پاسخگوی تقاضای مشتریان مشمول محدودیت مزبور باشد.

این در حالی است که در قراردادهای پروانه بهره‌برداری غیر متقابل میان رقبا که طرفین متعهد می‌شوند در قلمرو سرزمینی انحصاری تعیین شده برای هریک از طرفین، فروش‌های فعال یا غیر فعال نداشته باشند، از معافیت‌های کلی تا سهم بازاری 20 درصد برخوردار هستند (قسمت (i) بند (c) پاراگراف 1 ماده مزبور). البته لزوماً این محدودیت به‌طور یکسان نسبت به هر دو طرف قرارداد اعمال نمی‌شود، از این رو امکان دارد که این محدودیت‌های فروش تنها برای یکی از طرفین قرارداد وجود داشته باشد (Peeperkorn & Kjølbye, 2007: 178).

بدیهی است که قراردادهای فوق‌الذکر که فراتر از آستانه سهم بازاری 20 درصد قرار داشته باشند، با ممنوعیت بند 1 ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا<sup>1</sup> مواجه می‌گردند. مخصوصاً زمانی

عام در رسانه یا اینترنت که به اشخاص نامعینی عرضه می‌گردد انجام شود که البته از این طریق به مشتریان قلمرو انحصاری توزیع کننده دیگر نیز دسترسی می‌یابد بدون این که دسترسی به مشتریان مزبور هدف اصلی بوده باشد. برای مطالعه بیشتر ر. ک:

European Commission, (2002), Glossary of terms used in EU competition policy- Antitrust and control of concentrations, Luxembourg: Official Publications of the European Communities

1 - The Treaty on the Functioning Of the European Union. (26. 10. 2010). Official Journal of the European Union.

لازم به توضیح است که مقررات اتحادیه اروپا در زمینه مقاله حاضر مشتمل است بر مفاد معاهده مؤسس اتحادیه اروپا، آیین‌نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا و اصول راهنمای GATTA که سابقاً در قسمت‌های قبلی مقاله مورد معرفی قرار گرفته‌اند. بدیهی است مقررات مزبور در طول یکدیگر قرار دارند. به عبارتی معاهده مؤسس اتحادیه اروپا به عنوان سند اصلی، سیاست‌های کلی را در زمینه

که یکی از طرفین یا هر دو آن‌ها از قدرت بازاری فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند. با این وجود اصول راهنمای GATTA بیان می‌دارد که اگر وجود چنین محدودیت‌هایی برای اشاعه فناوری ضروری باشد، ممکن است قرارداد پروانه بهره‌برداری از معافیت بند 3 ماده 101 معاهده مزبور برخوردار شود؛ به عبارت دیگر زمانی که اعطاکننده پروانه موقعیت بازاری ضعیفی در قلمرو سرزمینی محل اشاعه فناوری دارد، درج محدودیت فروش فعال در قرارداد پروانه بهره‌برداری غیرمقابل میان رقبا می‌تواند برای تشویق اعطاکننده به اعطای پروانه بهره‌برداری ضروری باشد. چنین ضرورتی نیز برای گیرنده پروانه بهره‌برداری‌ای که دارای قدرت بازاری کمی است، برای حمایت از وی در آن قلمرو سرزمینی جهت اشاعه فناوری پروانه بهره‌برداری داده شده وجود دارد.

به علاوه معافیت‌های بیان شده در آیین‌نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا، شامل آن دسته از قراردادهای پروانه بهره‌برداری غیرمقابل میان رقبا، حاوی محدودیت فروش‌های فعال بر گیرنده پروانه، در قلمرو سرزمینی و یا گروه مشتریان اختصاص داده شده به گیرنده پروانه بهره‌برداری دیگر (براساس قرارداد منعقد شده با اعطاکننده) نیز می‌شود.

محدودیت فروش‌های فعال بر گیرنده پروانه بهره‌برداری، در قلمرو سرزمینی و یا گروه مشتریان اختصاص داده شده به گیرنده پروانه دیگر زمانی تا سهم بازاری 20 درصد از معافیت برخوردار خواهند بود که گیرنده مورد حمایت اعطاکننده، رقیب اعطاکننده در زمان انعقاد قرارداد پروانه بهره‌برداری خود نبوده باشد. به عنوان مثال چنانچه شخص الف به عنوان اعطاکننده پروانه بهره‌برداری ابتدا به شخص ب (گیرنده پروانه بهره‌برداری که رقیب اعطاکننده نیست) اعطای پروانه نموده و برای وی قلمرو انحصاری خاصی از لحاظ منطقه جغرافیایی یا گروه مشتریان قرار داده باشد و سپس همان شخص اعطاکننده به گیرنده دیگری (شخص ج که رقیب وی می‌باشد) نیز اعطای پروانه نماید و وی را از فروش فعال در قلمرو انحصاری شخص ب ممنوع کند، چنانچه قرارداد پروانه بهره‌برداری اخیرالذکر محدود به سهم بازاری 20 درصد باشد، از معافیت برخوردار

---

حقوق رقابت طی مواد مشخصی در نظر گرفته و معافیت‌های کلی را در بند 3 ماده 101 معاهده مؤسس مقرر و سپس آیین‌نامه جدید TTBER در تفصیل بند 3 ماده 101 معاهده مصادیق ویژه معافیت را درباره قراردادهای انتقال فناوری بیان داشته است. به علاوه به دلیل حساسیت اینگونه قراردادها در بازار رقابتی، کمیسیون اروپا اصول راهنمای GATTA را در زمینه اعمال ماده 101 معاهده نسبت به قراردادهای انتقال فناوری وضع نموده است؛ بنابراین باید خاطر نشان ساخت که به دلیل دقت و حوصله فراوان تدوین کنندگان مقررات مزبور عملاً تعارضی میان آن‌ها دیده نمی‌شود و برخی از این مقررات مفسر اسناد بالادستی خود می‌باشند.

است. اگر چنین محدودیتی برای مدتی که لازم باشد گیرنده پروانه مورد حمایت به بازار جدید ورود پیدا کند و در قلمرو سرزمینی یا گروه مشتریان اختصاصی، جایگاه خود را بیابد، ضروری به نظر برسد، بعید است که ممنوعیت بند 1 ماده 101 معاهده مزبور درباره آن اعمال شود. بنابراین از مفهوم مخالف بند (c) پاراگراف 1 ماده 4 آیین نامه مزبور و قسمت (ii) ذیل آن، چنین استنباط می شود که محدودیت در فروش های غیرفعال در قراردادهای پروانه بهره برداری میان رقبا در قلمرو سرزمینی یا گروه مشتریان معین برای گیرنده دیگر از محدودیت های مطلق بوده و با ممنوعیت قواعد حقوق رقابت مواجه هستند.

#### 2-4 قراردادهای پروانه بهره برداری میان غیر رقبا

بند (b) پاراگراف 2 ماده 4 آیین نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا به محدودیت سرزمینی در فروش های غیر فعال، میان طرفین غیر رقیب قراردادهای پروانه بهره برداری پرداخته و آن را از محدودیت های مطلق به شمار آورده که البته با استثنائات فراوانی که ذیلاً مورد بررسی قرار می گیرند، تخصیص خورده است.

در قراردادهای پروانه بهره برداری میان طرفینی که رقیب یکدیگر محسوب نمی شوند، محدودیت های فروش تا آستانه سهم بازاری 30 درصد از ممنوعیت معاف شده اند. فراتر از این آستانه، ممکن است ضرورت درج چنین محدودیتی در قرارداد برای برخورداری از معافیت بند 3 ماده 101 مورد ارزیابی قرار گیرد.

محدودیت فروش های غیرفعال بر گیرنده پروانه بهره برداری می تواند ناشی از تعهدات مستقیم گیرنده پروانه بهره برداری باشد، از قبیل تعهد گیرنده به عدم فروش به مشتریان خاص یا عدم ارسال سفارشات چنین مشتریانی به گیرنده پروانه بهره برداری دیگر. همچنین محدودیت های مزبور می تواند ناشی از تدابیر غیرمستقیمی باشد که هدف آن ها ترغیب گیرنده پروانه به اجتناب از فروش های فوق الذکر باشد؛ همانند پیش بینی مشوق های مالی و یا اعمال یک نظام بازرسی به منظور کنترل مقصد محصولات تحت پروانه بهره برداری (Gülfem, 2014:84)؛ بنابراین، آیین نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا محدودیت فروش های غیرفعال بر گیرنده پروانه را از معافیت های کلی خارج نموده و در هر مورد به طور جداگانه مورد ارزیابی قرار می دهد. لذا چنانچه وجود چنین محدودیتی برای گیرنده پروانه در ورود به بازار ضروری باشد، ممکن است که در کنار سایر

عوامل نظیر سهم بازاری طرفین باعث خروج موضوع از ممنوعیت ماده 101 شود (Bellis, 2014:55).

استثنائات مذکور در ذیل بند (b) پاراگراف مزبور عبارتند از: 1- فروش‌های غیرفعال در قلمرو سرزمینی یا گروه مشتریان متعلق به اعطاکننده پروانه بهره‌برداری 2- تعهد گیرنده پروانه به تولید کالای قراردادی برای استفاده شخصی خود بدون محدودیت در فروش فعال یا غیرفعالان کالا برای تأمین قطعات خود 3- تعهد گیرنده پروانه به تولید کالا تنها برای مشتریان خاص (زمانی که پروانه بهره‌برداری برای ایجاد منبع جایگزینی برای عرضه به مشتریان اعطا می‌شود) 4- محدودیت فروش به مصرف‌کننده نهایی در زمانی که گیرنده پروانه بهره‌برداری در سطح عمده فروشی فعالیت دارد و 5- محدودیت فروش به توزیع‌کننده غیرمجاز توسط اعضای سیستم توزیع‌گزینشی. به‌طور کلی از منظر حقوق رقابت اتحادیه اروپا محدودیت‌های فروش به‌طور مطلق ممنوع نیستند بلکه ارزیابی آن‌ها براساس اثرات اقتصادی آن‌ها صورت می‌گیرد و البته این ارزیابی زمانی کارآمدتر خواهد بود که مقامات رقابت اتحادیه اروپا همراه با رعایت آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط، به متقابل بودن یا نبودن قراردادهای پروانه بهره‌برداری میان رقبا و غیر رقبا توجه کافی نمایند (Anderman, 2007:228).

در ایالات متحده آمریکا براساس قانون پروانه اختراع و قواعد حقوق رقابت، اصولاً محدودیت‌های سرزمینی از منظر قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. به‌علاوه دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در آراء قضایی خود بر این اعتقاد است که صاحب پروانه اختراع می‌تواند در موقع اعطای پروانه بهره‌برداری، گیرنده را در استفاده و یا فروش پروانه بهره‌برداری داده شده نسبت به قلمرو سرزمینی معینی در ایالات متحده با محدودیت مواجه سازد (American Bar Association, 2002:1064).

مقررات مربوط به محدودیت‌های فروش سرزمینی و گروه مشتریان در حقوق رقابت اتحادیه اروپا نسبت به ایالات متحده آمریکا مورد مذاقه بیشتری قرار گرفته است. علت این توجه در آن است که اتحادیه اروپا با جدیت تمام به دنبال یکپارچه سازی بازار میان کشورهای عضو است. درواقع هدف وجود بازاری یکپارچه نقش مهم و اساسی در دیوان دادگستری و مقررات حقوق رقابت اروپا ایفا می‌نماید؛ بنابراین محدودیت‌هایی که باعث برهم زدن این یکپارچگی و منجر به تقسیم بازار می‌شوند با حساسیت بیشتری از منظر حقوق رقابت اتحادیه اروپا روبرو می‌گردند



(Baches Opi, 2000:98).

در نظام حقوقی ایران با توجه به بندهای 6، 2 و 7 ماده 44 ق.ا.س.ا. 44 می‌توان گفت که اگر محدودیت فروش بر اعطاکننده یا بر گیرنده پروانه بهره‌برداری (صرف نظر از اینکه قرارداد بین رقبا صورت گرفته یا خیر) تحمیل شود، ممکن است از این جهت محل رقابت و در نهایت ممنوع باشد که مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمت را در بازار محدود کند یا تحت کنترل در آورد. همچنین در این حالت احتمال نوعی تقسیم یا تسهیم بازار وجود خواهد داشت و یا ممکن است دسترسی اشخاص خارج از قرارداد به بازار محدود شود.

همچنین با وجود شرط محدودیت در فروش این احتمال وجود دارد که اعطاکننده یا گیرنده پروانه که چنین تعهدی را می‌پذیرد از انجام معامله با دیگران خارج از قلمرو سرزمینی یا گروه مشتریان معین استنکاف ورزد یا به دنبال تحدید مقدار کالا یا خدمت در بازار باشد و یا در مقابل کسی که این محدودیت به نفع او است بخواهد از طریق درج آن در قرارداد طرف مقابل را از معامله با رقیب خود محروم سازد. در این صورت اقدام مذکور، مطابق قسمت 1 و 2 بند (الف) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 و قسمت 3 بند (و) همین ماده ممنوع خواهد بود. مضافاً بر این اگر طرفی که دارای وضعیت اقتصادی مسلط است، شرط محدودیت در فروش را به‌طور غیرمنصفانه‌ای به طرف دیگر تحمیل کند و یا بخواهد با گنجاندن آن در قرارداد پروانه بهره‌برداری مانع ورود تازه‌واردان به بازار یا حذف رقبا گردد، بدیهی است که قسمت 2 و 4 بند (ط) ماده 45 را نقض کرده است بنابراین ممنوع خواهد بود.

### محدودیت در میزان تولید و عرضه<sup>1</sup>

در حقوق اتحادیه اروپا، محدودیت در تولید در توافقات پروانه بهره‌برداری بین طرفین رقیب براساس بند (b) پاراگراف 1 ماده 4 آیین‌نامه جدید TTBER یک محدودیت مطلقاً باطل را تشکیل می‌دهد. این بند در پی آن است که اعطاکننده پروانه را ممنوع کند از اینکه بر گیرنده پروانه بهره‌برداری که رقیب وی می‌باشد، محدودیت حجم تولید در خصوص فناوری موضوع

---

1 - Output Restriction.

پروانه، شرط نماید. با این حال این محدودیت در قراردادهای پروانه بهره‌برداری میان رقبا بر گیرنده پروانه در توافقات غیرمتقابل یا برعهده یکی از گیرندگان در توافقات متقابل، تا سهم بازاری 20 درصد از ممنوعیت ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا استثنا شده‌اند.

این نوع محدودیت بر گیرنده پروانه بهره‌برداری زمانی رقابت را کاهش می‌دهد که طرفین دارای قدرت بازاری زیادی بوده و در عین حال محدودیت مزبور برای اشاعه فناوری متعلق به اعطاکننده پروانه هم ضروری باشد. احتمال شمول معافیت‌های کلی بند 3 ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا درباره محدودیت در میزان تولید زمانی است که فناوری اعطاکننده پروانه به طور قابل توجهی بهتر از فناوری گیرنده پروانه بوده و محدودیت تولید نیز به طور قابل توجهی وسیع تر از ظرفیت تولید گیرنده پروانه قبل از انعقاد قرارداد پروانه بهره‌برداری است. توضیح آنکه در وضعیت مزبور شرط محدودیت تولید علی‌رغم محدود کردن میزان تولید آتی توسط گیرنده پروانه، باز هم میزان تولید وی را نسبت به حجم تولید گیرنده قبل از اعطای پروانه بهره‌برداری بالاتر قرار می‌دهد (Barazza, 2014: 198).

به علاوه برای اعمال معافیت مذکور در بند 3 ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا، باید در نظر داشت که چنین محدودیتی می‌تواند به منظور تشویق اعطاکننده پروانه به اشاعه هرچه بیشتر فناوری متعلق به خودش، ضروری باشد. برای مثال اگر اعطاکننده پروانه نتواند ظرفیت تولید گیرنده پروانه را بر مبنای فناوری متعلق به خود محدود کند، نسبت به اعطای پروانه بهره‌برداری به رقبایش بی‌میل می‌شود و این امر با سیاست‌های کلی اشاعه فناوری تعارض دارد (Peepkorn & Kjølbye, 2007: 164)؛ به عبارت دیگر اگر اعطاکننده پروانه بهره‌برداری بداند که قادر خواهد بود برای گیرنده پروانه محدودیت تولید قائل شود، اقدام به انعقاد قرارداد پروانه بهره‌برداری خواهد نمود اما اگر از وضع چنین محدودیتی ممنوع شود ممکن است اساساً از انعقاد چنین قراردادی و انتقال فناوری منصرف گردد و این وضعیت باعث جلوگیری از اشاعه فناوری خواهد گردید.

در اتحادیه اروپا قراردادهای پروانه بهره‌برداری منعقد می‌شوند که رقیب یکدیگر نیستند و شرط محدودیت تولید وجود دارد، آستانه سهم بازاری تا 30 درصد است. مهم‌ترین خطر ضد رقابتی این گونه قراردادها، کاهش رقابت بین گیرندگان پروانه بهره‌برداری یک فناوری است و این به طور قابل توجهی بستگی به قدرت بازاری اعطاکننده یا گیرنده پروانه بهره‌برداری دارد. اثرات

ضد رقابتی چنین محدودیتی زمانی افزایش می‌یابد که محدودیت‌های تولید با محدودیت قلمرو سرزمینی انحصاری یا گروه مشتریان معین ترکیب شوند. این ترکیب از منظر حقوق رقابت نشان از نوعی تقسیم بازار خواهد بود (Peeperkorn & Kjølbye, 2007: 194).

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، معمولاً محدودیت تولید بر مبنای قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل ارزیابی می‌شود. این امر بدین دلیل است که در این موارد اعطاکننده پروانه یا دارنده پروانه اختراع می‌خواهد پروانه بهره‌برداری اعطا نماید که بر مبنای آن گیرنده پروانه نسبت به میزان تولید مشخصی محدود شود. از این رو این محدودیت در این گونه موارد برای حمایت از حقوق اعطاکننده پروانه در زمان انتقال فناوری وی وضع می‌گردد. دادگاه فدرال در یکی از آراء خود محدودیت در تولید را که توسط اعطاکننده پروانه ایجاد شده بود، بر اساس قاعده مزبور بررسی کرد و نهایتاً آن را مخالف مقررات حقوق رقابت تشخیص نداد. به علاوه نگرانی‌های رقابتی در خصوص محدودیت تولید زمانی است که منجر به ایجاد کارتل، تقسیم بازار، انحصارگری و یا سوءاستفاده از وضعیت مسلط بشود (Nguyen, 2010:104-105).

با توجه به قواعد حقوق رقابت در ایران، محدود کردن یا تحت کنترل در آوردن مقدار تولید، خرید یا فروش کالا یا خدمات در بازار بر اساس بند 2 ماده 44 ق.ا.س.ا. 44 چنانچه اخلاف در رقابت ایجاد کند، ممنوع است. از آنجایی که این بند به محدودیت در تولید و فروش توأمان اختصاص یافته است از تکرار آنچه درباره محدودیت‌های فروش در این زمینه گفته شد پرهیز می‌شود. به علاوه مشابه آنچه قبلاً گفته شد، اگر اعطاکننده پروانه که بنگاه مسلط نیز هست، شرط محدودیت در تولید را به طور غیرمنصفانه‌ای به طرف دیگر تحمیل کند و یا بخواهد با گنجانیدن آن در قرارداد پروانه بهره‌برداری مانع ورود تازه‌واردان به بازار یا حذف رقبا گردد، بدیهی است که قسمت 2 و 4 بند (ط) ماده 45 را نقض کرده است، بنابراین اقدام مزبور ممنوع خواهد بود.

### محدودیت زمینه استفاده<sup>1</sup>

بر اساس شرط محدودیت زمینه استفاده، قرارداد پروانه بهره‌برداری به یک یا چند استفاده در

---

1 -Field of Use Restriction.

زمینه‌های فناوری محدود می‌شود تا از این طریق اعطاکننده پروانه صرفاً یک یا چند نوع از انواع استفاده را به گیرنده پروانه تجویز نموده و بتواند از اعطای پروانه بهره‌برداری در زمینه‌های دیگر فناوری مزبور اجتناب نموده و صرفاً به صورت شخصی بهره‌برد. برای مثال دارنده گونه‌های متنوع دانه ذرت ممکن است آن‌ها را تنها برای استفاده غذایی دام پروانه بهره‌برداری بدهد و کاربرد دیگر آن‌ها را برای استفاده در غذای انسان برای خود نگه دارد (Anderman, 2007: 223).

براساس پاراگراف 212 اصول راهنمای GATTA محدودیت زمینه استفاده، احتمالاً می‌تواند دارای اثرات مثبت رقابتی باشد، از جمله آن که اعطاکننده را به اعطای پروانه بهره‌برداری به گیرنده پروانه برای کاربرد آن در زمینه‌ای که خارج از قلمرو فعالیت اعطاکننده پروانه است، تشویق می‌کند.

نگرانی ضدرقابتی اصلی در توافقات میان رقبا با درج چنین محدودیتی این است که گیرنده پروانه برای رقابت خارج از زمینه استفاده پروانه بهره‌برداری داده شده، متوقف خواهد شد و در وضعیتی که شرط محدودکننده، متقابل باشد، اگر چنین توافقی منجر به کاهش تولید گیرنده پروانه در کالای خارج از زمینه استفاده شود، احتمال دارد که ماده 101 معاهده مؤسس اتحادیه اروپا را نقض نماید (Korah, 2006: P107).

براساس اصول راهنمای GATTA محدودیت زمینه استفاده در قراردادهای میان رقبا تا آستانه سهم بازاری 20 درصد و در قراردادهای پروانه بهره‌برداری میان غیر رقبا تا آستانه سهم بازاری 30 درصد از معافیت برخوردار خواهند شد. قراردادهای نوع اخیر که اعطاکننده پروانه بهره‌برداری برای خود یک یا چند زمینه استفاده یا بازار کالا در نظر می‌گیرد کمتر محدودکننده رقابت هستند و باعث گسترش فناوری از طریق افزایش انگیزه برای اعطای پروانه بهره‌برداری در زمینه‌هایی است که خود قادر به استفاده از آن‌ها نیست.

در ایالات متحده آمریکا اصول راهنمای اعطای پروانه بهره‌برداری اموال مالکیت فکری شرط زمینه استفاده را غالباً دارای فواید رقابتی دانسته است که به وسیله قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل ارزیابی می‌شوند. با وجود این دادگاه‌های آمریکا در مواجهه با این شرط نسبت به آیین‌نامه جدید TTBER اتحادیه اروپا بیشتر منتقد به این نوع محدودیت هستند. مخصوصاً اگر این شرط در پروانه بهره‌برداری‌های متقابل به منظور تخصیص بازار یا محروم کردن اشخاص ثالث از بازار گنجانده شود (Aranda, 2005: 55; Miller, 2003: 3).

در نظام حقوقی ایران، به‌طور صریح به محدودیت زمینه استفاده در قراردادهای پروانه بهره‌برداری پرداخته نشده است فلذا به‌طور ضمنی می‌توان گفت که اگر چنین شرطی در قرارداد وجود داشته باشد و سبب آن گردد که تولید کالای خارج از زمینه استفاده در بازار محدود یا کنترل شود، احتمالاً طبق بند 2 ماده 44 ق.ا.س.ا. 44 در صورت اخلاص در رقابت با ممنوعیت مواجه شود. این نیز امکان دارد که لیسانس دهنده‌ای که دارای وضعیت مسلط در بازار است، محدودیت زمینه استفاده را به‌طور غیرمنصفانه‌ای بر گیرنده پروانه تحمیل نماید، اگر شرط مزبور غیرمنصفانه تلقی گردد، قرارداد پروانه بهره‌برداری مشمول ممنوعیت قسمت 2 بند (ط) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 می‌شود.

### شرط عدم رقابت<sup>1</sup>

شرط عدم رقابت در فناوری پروانه بهره‌برداری داده شده به این معنا است که گیرنده پروانه متعهد می‌شود از فناوری متعلق به شخص ثالث که با فناوری پروانه بهره‌برداری داده شده در رقابت است، استفاده ننماید (پاراگراف 226 اصول راهنمای GATTA).

مهم‌ترین خطرات ضدرقابتی برای این محدودیت، ایجاد محرومیت در استفاده از فناوری‌های متعلق به ثالث و سهولت تبانی میان اعطاکنندگان پروانه بهره‌برداری (در زمانی که تعداد زیادی از اعطاکنندگان پروانه از این محدودیت به‌طور جمعی استفاده می‌کنند) است. محروم ساختن فناوری ثالث از رقابت، کاهش رقابت میان صاحبان فناوری را از طریق محدود کردن اختیارات گیرنده پروانه در انتخاب و یا جایگزینی فناوری‌های رقابتی در پی دارد. به‌علاوه اگر طرفین قرارداد پروانه بهره‌برداری رقبای یکدیگر بوده باشند و با درج چنین محدودیتی بر عدم استفاده از فناوری ثالث توافق نمایند، خطر تبانی میان آن‌ها افزایش خواهد یافت (Fine, 2006:103).

علاوه بر این، موانع ورود به بازار در زمانی که قرارداد پروانه بهره‌برداری مشروط به شرط عدم رقابت می‌شود، افزایش می‌یابد. به‌این ترتیب در زمانی که اعطاکننده بر گیرندگان پروانه بهره‌برداری متعدد، شرط عدم استفاده از فناوری رقابتی ثالث را می‌کند، تعداد زیادی گیرنده

1 - Non-Compete Restriction.

پروانه در بازار وجود خواهد داشت که مانع ورود ثالث به بازار آن فناوری می‌گردند (Johansson, 2005:21).

براساس آنچه اصول راهنمای GATTA بیان می‌دارد اثرات محرومیت از بازار و رقابت زمانی تشدید می‌شوند که اعطاکننده پروانه بهره‌برداری قدرت بازاری قابل توجهی داشته باشد؛ به عبارت دیگر هرچقدر که قدرت بازاری اعطاکننده پروانه بیشتر باشد، خطر محروم کردن ثالث از رقابت هم بیشتر خواهد بود، زیرا اعطاکننده قدرت بیشتری برای اعمال محدودیت عدم رقابت بر گیرنده پروانه خواهد داشت.

با وجود این محدودیت عدم رقابت دارای اثرات مثبتی بر رقابت نیز هست: از جمله چنین محدودیتی ممکن است باعث اشاعه هرچه بیشتر فناوری پروانه بهره‌برداری داده شده از طریق کاهش خطر سوءاستفاده از آن می‌شود

(Sadeghi & Mahmoudi, 2007:272-273)؛ به عبارت دیگر اگر اعطاکننده پروانه قادر نباشد با درج چنین شرطی ریسک سوءاستفاده از فناوری تحت پروانه بهره‌برداری خود را کاهش دهد ممکن است از اساس، از اعطای پروانه صرف نظر نماید. به علاوه شرط عدم رقابت، گیرنده پروانه را به سرمایه‌گذاری بیشتر در فناوری ناشی از پروانه بهره‌برداری اعطا شده تشویق می‌نماید، زیرا گیرنده پروانه با این وضعیت مواجه خواهد بود که تنها فناوری که در این زمینه می‌تواند مورد استفاده قرار دهد، صرفاً فناوری همین اعطاکننده پروانه خواهد بود، لذا انگیزه خود را در سرمایه‌گذاری بر همین فناوری متمرکز خواهد کرد (Barazza, 2014:197).

با وجود اثرات احتمالی مثبت و منفی شرط عدم رقابت، آیین‌نامه جدید TTBER معافیت‌هایی را برای قراردادهای پروانه بهره‌برداری مشتمل بر این محدودیت در نظر گرفته است. به این ترتیب که اگر قرارداد میان رقبا منعقد شده باشد تا سهم بازاری 20 درصد و در قرارداد میان غیر رقبا تا آستانه سهم بازاری 30 درصد از ممنوعیت ماده 101 خارج خواهند شد.

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، محدودیت شرط عدم رقابت بر مبنای قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل ارزیابی و اثرات مثبت و منفی چنین محدودیتی توأمان بررسی می‌شود. در ارزیابی این محدودیت نظیر آنچه که در اتحادیه اروپا بررسی شد، به عواملی از جمله قدرت بازاری طرفین، میزان افزایش هزینه‌ها برای رقبا و مدت‌زمان اجرای شرط عدم رقابت در قرارداد پروانه بهره‌برداری توجه می‌شود. به علاوه در ایالات متحده آمریکا معافیت کلی در این زمینه وجود

نداشته و ارزیابی‌ها به‌طور انفرادی و بر مبنای قاعده فوق صورت می‌گیرد. در حالی که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، قرارداد پروانه بهره‌برداری حاوی شرط عدم رقابت تا آستانه سهم بازاری تعیین شده از معافیت‌های کلی برخوردار هستند و زمانی قرارداد از معافیت‌ها به‌طور انفرادی برخوردار می‌شود که طرفین قرارداد بالاتر از این سهم بازاری را دارا باشند (Rättzén, 2013:11).

در نظام حقوقی ایران و بر مبنای قواعد حقوق رقابت، و با توجه به این که مقررات قانون ا.س.ا. 44 به قراردادهای پروانه بهره‌برداری صراحتاً نپرداخته است، می‌توان بر اساس قسمت 3 بند (و) ماده 45 قانون مزبور چنین استنباط نمود که اگر اعطاکننده پروانه با شرط عدم انجام معامله با رقیب وی، به گیرنده، اعطای پروانه بهره‌برداری نماید، به علت اخلاف در رقابت، ممنوع خواهد بود. به علاوه با توجه به اثر شرط عدم رقابت در زمینه ایجاد موانع برای مشکل ساختن ورود رقیب به بازار آن فناوری، چنانچه قرارداد پروانه بهره‌برداری حاوی شرط مزبور بوده باشد، بر اساس قسمت 4 بند (ط) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 با ممنوعیت مواجه خواهد بود. همچنین اگر بر اساس داوری عرف این شرط غیرمنصفانه به گیرنده پروانه تحمیل شده باشد، طبق قسمت 2 بند (ط) ماده مزبور ممنوع است. با توجه به صدر بند (ط) ماده 45 ق.ا.س.ا. 44 ممنوعیت مذکور در این بند منوط به این قید است که اعطاکننده پروانه دارای موقعیت مسلط بازاری باشد و سپس اقدام به درج چنین محدودیتی در قرارداد پروانه بهره‌برداری نماید.

همچنان که ملاحظه می‌شود برخلاف مقررات اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا که حسب مورد به صورت کلی یا انفرادی احتمالاً معافیت‌هایی در خصوص محدودیت مورد اشاره قائل شده‌اند، ق.ا.س.ا. 44 ایران از وضع هرگونه معافیتی در این خصوص غفلت نموده است. بدیهی است وضعیت مذکور علاوه بر این که مواردی را غیرقانونی قرار داده که در واقع هیچ اخلاقی در رقابت ایجاد نمی‌کنند، مانع گسترش فناوری نیز خواهد گردید. روشن است که اگر با دید بسته، هر نوع شرط محدودکننده‌ای را در این زمینه مخالف حقوق رقابت تلقی کنیم، دارندگان فناوری‌های نوین و کارآمد از اعطای پروانه بهره‌برداری صرف نظر خواهند نمود چون با وضعیت غیر متوازن انتخاب همه یا هیچ مواجه خواهند شد و در خواهند یافت که یا بایستی فناوری خود را بدون هرگونه شرط محدودکننده‌ای موضوع اعطای پروانه بهره‌برداری قرار دهند و یا به جهت نگرانی از نقض مقررات رقابت در این خصوص به کلی از اعطای پروانه بهره‌برداری منصرف

شوند. در چنین وضعیتی پیش بینی تصمیم دارندگان فناوری‌های پیش‌رو، کار دشواری نخواهد بود.

### نتیجه

محدودیت‌های غیرمبتنی بر قیمت در قراردادهای پروانه بهره‌برداری به‌طور مطلق لزوماً در هر سه نظام حقوقی محل رقابت تلقی نمی‌شوند. اینکه چنین محدودیت‌هایی در چه زمانی با قواعد حقوق رقابت تداخل پیدا می‌کنند بستگی به عوامل متعددی نظیر اثرات مثبت یا ضد رقابتی آن‌ها، سهم بازاری طرفین در قرارداد، دارا بودن موقعیت مسلط، اثرگذاری آن‌ها بر اقتصاد، نوآوری و انگیزه دارنده پروانه اختراع دارد. در واقع باید در نظر داشت که عدم مطلق‌نگری در این خصوص، نشان از منعطف بودن حقوق رقابت در زمینه انتقال فناوری دارد. به نظر می‌رسد که قانونگذاران تلاش می‌کنند که تعادل را بین حقوق صاحبان اختراع و اهداف حقوق رقابت برقرار کنند تا از این طریق مانع کاهش انگیزه دارندگان پروانه اختراع شوند و اجازه ندهند تا با انحصار حقوق مالکیت فکری، رقابت در بازار با سختی مواجه شود، ورود تازه‌واردان به بازار فناوری با مشکل مواجه گردد و یا رفاه مصرف‌کنندگان به مخاطره بیفتد.

به دلیل دخالت مؤلفه‌های متعدد در تشخیص ضدرقابتی بودن قراردادهای مورد بحث این پژوهش، در تمامی نصوص قوانین و مقررات مربوطه در هر سه نظام حقوقی مورد بحث و نیز تألیفات محققان این حوزه ملاحظه می‌شود که همواره موضع‌گیری در خصوص ضدرقابتی بودن یا نبودن یک محدودیت وابسته به احتمالات و امکان‌های مختلفی تلقی شده است. این امر نه بدان سبب است که قانونگذار و نیز صاحب‌نظران حقوق رقابت در یک وضعیت بلا تکلیفی و تذبذب قرار دارند بلکه حقوق رقابت با واقعیت‌های اقتصادی وابستگی جدی داشته و لذا در هر پرونده مطروحه به صورت جداگانه بایستی آثار واقعی آن محدودیت در وضعیت بازار مورد ارزیابی و برآورد کارشناسان اقتصادی قرار گرفته و نتیجه این ارزیابی واقعی در تصمیم‌گیری قطعی در زمینه ممنوعیت یا عدم ممنوعیت محدودیت مذکور، تأثیر مستقیم خواهد داشت. به همین جهت احتمال‌های مذکور در تحلیل‌های مربوطه در یک پرونده ممکن است محقق شود و در پرونده دیگر تحقق نیابد.

با وجود اشتراکات موجود بین نظام‌های حقوقی مورد بحث، تفاوت‌های ظریفی نیز میان آن‌ها



در خصوص موضوع این پژوهش وجود دارد؛ از جمله این که در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، در هر پرونده باید محدودیت‌های غیر قیمتی قراردادهای انتقال فناوری بر اساس قاعده ممنوعیت مبتنی بر دلیل ارزیابی گردند، در حالی که در نظام اتحادیه اروپا تقسیم‌بندی‌هایی تحت عنوان محدودیت‌های مطلقاً ممنوع و معافیت‌های کلی به همراه محدودیت‌های میان رقبا و غیر رقبا وجود دارد که برای فهم نحوه اعمال قواعد حقوق رقابت بر قراردادهای پروانه بهره‌برداری در اتحادیه اروپا مطالعه آن‌ها ضروری است.

در نظام حقوقی ایران نیز با وجود نوپا بودن حقوق رقابت می‌توان گفت که قانونگذار در تلاش بوده است که تمام جنبه‌های اخلال در رقابت را در نظر بگیرد، لیکن همچنان بسیاری از مفاهیم مذکور در مقررات ایران آن قدر گسترده هستند که می‌توانند شامل هر گونه شرط یا قیدی گردند و این ممکن است که صاحب فناوری را برای اعطای پروانه بهره‌برداری و درج برخی شروط ضمن عقد در قرارداد مزبور، نگران کند. از سوی دیگر نیاز به قوانین کامل‌تر در زمینه حقوق مالکیت فکری در ایران این احتمال را به وجود خواهد آورد که اعطای پروانه بهره‌برداری به اندازه کافی احساس حمایت قانونی برای حفظ حقوق معنوی خود نداشته، فلذا تمایل زیادی نیز به اعطای پروانه بهره‌برداری پیدا نماید؛ بنابراین تدوین مقررات و دستورالعمل‌های جامع و مانع که بتواند پیوندی میان حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری ایجاد نماید و از این طریق تعادلی موزون میان آن‌ها برقرار سازد، ضروری به نظر می‌رسد؛ امری که به صورت همزمان اهتمام قانونگذار و شورای رقابت را می‌طلبد. در این راستا به صورت مشخص پیشنهادهای ذیل می‌تواند راهگشا باشد:

۱. برخلاف مقررات اتحادیه اروپا و ایالات متحده که اقتضانات خاص قراردادهای پروانه بهره‌برداری را در نظر داشته و مقررات رقابتی ویژه‌ای در این خصوص مقرر داشته‌اند در نظام حقوقی ایران قراردادهای پروانه بهره‌برداری قواعد رقابتی ویژه‌ای نداشته و مشمول عمومات قانون ۱. س. ۴۴ می‌باشند؛ لذا پیشنهاد می‌شود قانونگذار ایران با بهره‌گیری از تجربیات دو نظام حقوقی دیگر مقررات خاصی در این زمینه وضع نماید تا از این طریق کارآمدی بیشتری حاصل گردد.

۲. علی‌رغم این که مقررات اتحادیه اروپا برای قراردادهای پروانه بهره‌برداری معافیت‌های خاصی از ممنوعیت‌های حقوق رقابت در نظر گرفته است مقررات ایران هیچ گونه معافیتی در این خصوص مقرر نداشته و این امر علاوه بر این که منجر به یک تقابل غیرمنطقی بین حقوق

رقابت و مالکیت فکری خواهد شد، انگیزه اختراع و نوآوری را به صورت منفی تحت الشعاع قرار خواهد داد. به همین لحاظ وضع معافیت‌های مورد نظر به صورت دقیق و کارشناسانه پیشنهاد می‌گردد.

۳. مقررات اتحادیه اروپا از لحاظ احتمال ممنوعیت قراردادهای پروانه بهره‌برداری شفافیت بیشتری را به فعالان عرصه مالکیت‌های فکری ارائه نموده است؛ زیرا سهم بازاری مشخص و دقیقی را به عنوان مرز ممنوعیت در نظر گرفته و تکلیف صاحبان پروانه بهره‌برداری تا حدود زیادی روشن نموده است. در حالی که در مقررات ایران در زمینه وضعیت مسلط اقتصادی و میزان سهم بازاری هیچ مرز کمی محصل و شفافی ارائه نشده و لذا روشن نیست که دقیقاً چه میزانی از سهم بازاری می‌تواند بنگاه ارائه‌دهنده پروانه را در جایگاه مسلط قرار داده و شمول ممنوعیت‌ها را در پی داشته باشد. به همین جهت پیشنهاد می‌شود ضمن وضع مقرراتی دقیق، مشخص شود آستانه تسلط در هر یک از قراردادهای عمودی و افقی اعطای پروانه بهره‌برداری، چه میزانی از سهم بازاری در کنار سایر عوامل می‌باشد.

## References

- [1] Abdi pour, E. (2009). Abuse of Dominant Position. Journal of Islamic Law. 21(6): 125-156. (In Persian).
- [2] Ahlborn, C; Evans, D. & Padilla, J. (2004). The Antitrust Economics of Tying: a Farewell to per se. Available at [www.ssrn.com](http://www.ssrn.com). (Last visited at 6/9/2015).
- [3] American Bar Association. (2002). Antitrust Law Developments. (5<sup>th</sup> Ed), ABA Book Publishing.
- [4] Anderman, S. (2007). Technology Transfer and the IP/Competition Interface. European Competition Law Annual. Portland. Hart Publishing.
- [5] Aranda, L.M. (2005). Technology Licensing Agreements Comparative Study between the EU and the U. S. Master Thesis. Faculty of Law. University of Lund. Sweden.
- [6] Baches Opi, S. (2000). The Approaches of the European Commission and the U. S Antitrust Agencies towards Exclusivity Clauses in Licensing Agreements. Boston College International and Comparative Law Review. 24(1):85-143.
- [7] Bagheri, M.; Abbasi, S. (2012). Competition Law's Policies & Intellectual Property Rights. Faculty of Law and Political Science Tehran University Journal. 42 (2): 59-74. (In Persian).
- [8] Barazza, S. (2014). The Technology Transfer Block Exemption Regulation & related Guidelines: Competition Law & IP Licensing in the EU. Journal al of

- European Competition Law & Practice. 9(3):186-207.
- [9] Bellis, F. (2014). IP and Competition: A Survey of Developments in the Past Year. *Journal of European Competition Law & Practice*. 6(1):54-60.
- [10] Christiansen, A.; Kerber, W. (2006). *Competition policy with optimally Differentiated Rules Instead of "Per se Rules vs. Rule of Reason*. Oxford University Press Publishing.
- [11] Commission Regulation (EU) No 316/2014 on the application of Article 101(3) of the Treaty on the Functioning of the European Union to categories of technology transfer agreements. Available at [www. Eur-lex. Europa. Eu](http://www.Eur-lex.Europa.Eu). (Last visited at 6/9/2015).
- [12] Commission Regulation (EU) No 772/2004 on the Application of Article 101(3) of the Treaty to Categories of Technology Transfer Agreement. Available at [www. Eur-lex. Europa. Eu](http://www.Eur-lex.Europa.Eu). (Last visited at 6/9/2015).
- [13] Communication from the Commission. Guidelines on the application of Article 101 of the Treaty on the Functioning of the European Union to technology transfer agreements. (2014/C 89/03). Available at [www. Eur-lex. Europa. Eu](http://www.Eur-lex.Europa.Eu). (Last visited at 6/9/2015).
- [14] Einer, E. (2009). Tying, Bundled Discounts, and the Death of the Single Monopoly Profit Theory. *Harvard Law Review*. Available at [www. Law. Harvard. Edu/programs/olin\\_center/](http://www.Law.Harvard.Edu/programs/olin_center/). (Last visited at 6/9/2015).
- [15] European Commission, (2002), *Glossary of Terms Used in EU Competition Policy- Antitrust & Control of Concentrations*. Luxembourg. Official Publications of the European Communities.
- [16] Fine, F. (2006). *The EC Competition Law on Technology Licensing*. Sweet & Maxwell publishing.
- [17] *Ghaffari Farsani, B. (2014). Competition law & Its Civil Remedies. (First Ed) .Tehran. Mizan Legal Foundation. (In Persian)*.
- [18] Gülfem Bozdog, G. (2014). Technology Transfer Block Exemption Regulation (240/96) and Guidelines in Terms of Hard core and Excluded Restrictions. *Gazi University Faculty of Law journal*.18:79-90.
- [19] [Han, J. \(2005\)](http://www.iip.or.jp/e/e_summary/pdf/detail2004/e16_14.pdf), Study on Intellectual Property Licensing under Antimonopoly Law in the U. S., Europe, Japan and Korea. Available at [www. iip. or. jp/e/e\\_summary/pdf/detail2004/e16\\_14. pdf](http://www.iip.or.jp/e/e_summary/pdf/detail2004/e16_14.pdf). (Last visited at 6/9/2015).
- [20] [Hull, D. & Toro, A. \(2004\)](https://www.cov.com/-/media/files/corporate/.../oid32193.pdf). Reform of the technology licensing rules. [The European Antitrust Review](http://www.cov.com/-/media/files/corporate/.../oid32193.pdf). Available at <https://www.cov.com/-/media/files/corporate/.../oid32193.pdf>. (Last visited at 6/9/2015).
- [21] Johansson, Camilla. (2005). *Licensing in the perspective of EC Competition Law*. Master thesis. School of Economics and Commercial Law. Goteborg University. Department of Law.
- [22] Kjøelbye, L & Peepkorn, L. (2007). *the New Technology Transfer Block Exemption Regulation and Guidelines*. European Competition Law Annual: 2005. Portland. Hart Publishing.
- [23] Korah LLM, V. (2006). *Intellectual Property Rights and the EC Competition Rules*. Oregon. Hart Publishing.

- [24] Kutty, A. Chakravarty, S. (2011). The Competition-IP: Emerging Challenges in Technology Transfer Licenses. *Journal of Intellectual property Rights*.16: 258-266.
- [25] Law on Amendment of the Law of the Fourth Economic, Social & Cultural Islamic Republic of Iran and the Implementation of General Policies Principle Constitution Law. Approved by the Expediency Council (1/6/2008). (In Persian).
- [26] Lugard, P. (2014). The New EU Technology Transfer Regime like a Rolling Stone?. *Digiworld Economic Journal*. Available at [www.ssrn.com/abstract=2603717](http://www.ssrn.com/abstract=2603717). (Last visited at 6/9/2015).
- [27] Melamed, D & Lerch, D. (2007). *Uncertain Patents, Antitrust, and Patent Pools*. European Competition Law Annual: 2005. Portland.Hart Publishing.
- [28] Miller. R.S. (2003). *Antitrust Pitfalls in Intellectual Property Licensing*. Available at [www.Law.Berkeley.Edu](http://www.Law.Berkeley.Edu). (Last visited at 6/9/2015).
- [29] Nguyen, T. T. (2010). *Competition Law, Technology Transfer and the TRIPS Agreement Implications for Developing Countries*. UK.Edward Elgar Publishing.
- [30] Rab, S. (2014). New EU Technology Transfer Block Exemption: A Note of Caution. *Journal of European Competition Law & Practice*. 5(7): 436-450.
- [31] Rättzén, M. (2013). *The Enforceability of Non-compete Clauses in Patent License Agreements in the EU and the U. S. Essay*. Master of Laws programed. Faculty of Law. Lund University.
- [32] Ritter, L & Brawn, D. (2004). *European Competition Law a Practitioner`s Guide*. Kluwer law International Publishing.
- [33] Saberi, R. (2008). *Licensing Agreements*. (First Ed). Tehran. The SD institute of law research & study. (In Persian).
- [34] Sadeghi, M.; Mahmoudi, A. (2007). Interaction and Co-Operation License Agreements, Intellectual Property Rights & Competition Law. *Iranian Journal of Trade Studies (IJTS)*.43:249-282. (In Persian).
- [35] Sherman Antitrust Act 1890.
- [36] The Treaty on the Functioning Of the European Union. (26. 10. 2010). Official Journal of the European Union. Available at [www.Eur-lex.Europa.Eu](http://www.Eur-lex.Europa.Eu). (Last visited at 6/9/2015).
- [37] U. S. DEP`T OF JUSTICE& FED. TRADE COMM`N, (2007). *Antitrust enforcement and Intellectual Property Rights: Promoting Innovation and Competition*.
- [38] U. S. DEP`T OF JUSTICE& FED. TRADE COMM`N. (1995). *Antitrust Guidelines for the Licensing of Intellectual Property*.
- [39] Warren, M & Zafar, O. (2014). Technology Licensing and Settlements of IP Disputes: Implications of the European Commission`s New Regime. *Journal of European Competition Law & Practice*. 5(6): 364-367.